

تشویق و جایگاه تربیتی آن از منظر قرآن و روایات

زهرا جعفری^۱

ساناز بابکان^۲

فریده کیان فرد^۳

قاسم بامیری^۴

چکیده

انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده شده و استعداد های رسیدن به کمال در درون او نهاده شده است. این استعدادها در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می شوند. یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت، تشویق شمرده شده است. هدف از نگارش این مقاله این است که با مطالعه منابع دینی (قرآن و روایات) نقش تشویق به عنوان روشی سازنده و موثر در تربیت، تبیین گردد. از این رو با کمک منابع کتابخانه ای به روش نقلی و حیانی و توصیف مسئله به بررسی آن پرداخته شده است، که تشویق به معنی کسی را سر شوق آوردن و به چیزی دلگرم کردن است و این مولفه تربیتی نیاز روحی انسان می باشد که آموزه ها بویژه آموزه های دینی را در درون او نهاده می کند. تشویق عامل محرکی است که به فرد و جامعه حیات می بخشد و آن را به سوی عملکرد صحیح و کار مطلوب هدایت می کند. برای تحقق این امر، روشهایی در قرآن کریم و روایات بیان شده است همچون تحسین، پاداش دادن در قبال کار انجام شده، تشکر کردن و... شمرده شده است. از طرفی برای این امر مهم مانند هر سبک تربیتی اصولی مد نظر است که با اجرای آن، آثار مطلوب تشویق نمایان می شود. یکی از اصول تعلق گرفتن تشویق به رفتار نیک است تا فرد بدانند کار وی حاوی ارزش است و دیگر اینکه تشویق متناسب با رفتار فرد باشد و این روش تربیتی وسیله ای برای رسیدن به هدف قرار

۱. دانشجوی دکتری، رشته الهیات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

Zahra.jafari61@yahoo.com

۲. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، حوزه علمیه جامعه النور شیراز، مؤسسه ریحانه النبی (س)، شیراز، استان فارس،

ایران، پژوهشگر و مبلغ فرهنگی، sanaz.1368b@gmail.com

۳. طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته فقه خانواده، حوزه علمیه جامعه النور شیراز، پژوهشگر، فعال فرهنگی و معاون آموزش مؤسسه ریحانه النبی

(س) شیراز، استان فارس، ایران، fkiyanfard@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد قم، پژوهشگر، فرهنگی و مدیر دبیرستان علامه طباطبائی لردگان، استان

چهارمحال و بختیاری، ایران، gh.b1791@gmail.com

گیرد نه اینکه خودش هدف گردد. از اصول دیگر رعایت حد و اعتدال است تا در کنار دیگر اصول چون واضح بودن علت تشویق و به هنگام بودن آن، هدف تشویق و آثار آن محقق گردد. آثاری که امر سازندگی و پیشرفت، تکامل بشر در جهت رسیدن به کمال و شکوفایی استعدادها و قوای درونی فرد به دنبال داشته باشد تا فرد اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند و نهایتاً برای تداوم و تکرار آن کار پسندیده، ترغیب گردد.

واژگان کلیدی: تشویق، تربیت، تحسین، ترغیب

مقدمه

انسان ها نسبت به موجودات دیگر از امتیازاتی برخوردار هستند که مختص آنها است. از منظر قرآن و روایات درون انسان ها استعداد هایی برای رسیدن به کمال نهفته شده است. این استعدادها با تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می شوند. پس تربیت جایگاه ویژه ای دارد به این معنا که پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعداد های درونی انسان ها از اهداف پیامبران است. اگر برای پیامبر اهداف و وظایف ابتدایی، میانی و غایی لحاظ شود، پرورش و تربیت بر اساس آموزه های قرآنی و روایی اهداف نهایی و غایی شمرده می شود.

یکی از روش های تربیتی، تشویق است. تشویق براینکه پاداش دهی به رفتار جهت برانگیختن شوق و علاقه مجدد به رفتار مطلوب است. همچنین وسیله برای تقویت و فراهم آوردن نشاط لازم در انجام کارها است. باید بیان کرد که این شیوه تربیتی از ضروری ترین نیاز های روانی فرد و جامعه است و ساختار روانی و عاطفی افراد به گونه ای است که اگر مورد تایید و تشویق و دریافت پاداش قرار گیرند خشنود می شوند و این امر در اصلاح و تثبیت رفتار بسیار تاثیر گذار می باشد. تشویق برای تربیت نسل ها از آغاز پیدایش جامعه انسانی وجود داشته است و هم پای انسان در طول تاریخ اشکال متعددی تجلی پیدا کرده است.

انسان در آغاز از تشویق برای رام کردن حیوانات و وادار کردن آنها به انجام کارهای گوناگون بهره می برد و بعد این امر در پرورش فرزندان و انسان های دیگر خود را نشان داد. اهل فن نیز در این عرصه مکتوبات خوبی دارند که یکی از کتب قدیمی که در زمینه تشویق نوشته شده است کتاب تربیت اطفال نوشته آقای رسول نخشی است. نوشتار حاضر هم با عنوان تشویق و جایگاه تربیتی آن از منظر قرآن و روایات به مباحثی همچون مفهوم شناسی تشویق، اهمیت و ضرورت آن، روش های تشویق در قرآن، پیامدهای تشویق و اصول حاکم بر تشویق، پرداخته است.

۱- مفهوم شناسی تشویق

تشویق در لغت واژه عربی از باب تفعیل و ماده "ش و ق" است. در لغت عرب چنین آمده است الشوق: نزاع النفس الی الشی؛ کشاندن نفس آدمی به سوی امری است.

همچنان که گفته اند: تشویق به معنای به شوق درآوردن و راغب کردن به چیزی و کسی را در امری ستودن و به چیزی دلگرم کردن است (معین، ۱۳۵۰، ص ۱۵۱۰؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۳)

و آنچه در اصطلاح آمده است: حرف و رفتاری است که از فعلی قدردانی می کند و آن را مورد ستایش قرار می دهد. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶) و به عبارتی تشویق پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کسی و پاداش دادن به منظور قدردانی از کوشش اوست. (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۴)

۲- اهمیت و ضرورت تشویق

در مکاتب الهی انسان به عنوان موجود دو بعدی در نظر گرفته می شود. این مطلب در ادیان مختلف و متون دینی مستقیم یا غیرمستقیم بیان شده است. حال این دو جنبه مادی و غیر مادی در وجود آدمی هر یک دارای جزئیات خاص خود هستند. همان طور که جسم انسان برای زنده ماندن نیازهایی دارند و پیوسته به خاطر رفع آنها تکاپو و فعالیت می کند روح هم نیاز هایی دارد باید تامین گردد. به عبارتی پرورش قوای عقلانی، فکری، روحی و آنچه به انسانیت انسان مربوط است همگی از نیازهای ضروری است. تحقق آن نیازمند به کارگیری روش های تعلیم و تربیت است. (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۴).

این روش شناسی و بررسی شیوه های تربیتی در نظام تربیتی اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. در واقع درخت پر ثمر تربیت زمانی به بار می نشیند که نظریه تربیتی در قالب روش های صحیح اجرا گردد بکارگیری این مهم که بتواند ما را به آسانی درپیمودن جاده موفقیت یاری کند، از شرایط توفیق هر کاری است. چنانچه در قرآن آمده است (بقره، ۸۹) نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه در آید نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از راه آن وارد شوید.

«وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا، (بقره: ۸۹)؛

(ای پیامبر به آنان بگو: نیکی آن نیست که (در حال احرام حج)، از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که تقوا پیشه کنید و از درها وارد خانه‌ها شوید».

یعنی باید هر کاری از راه خودش انجام داد. همچنین در اهمیت داشتن روش تربیتی صحیح، امام صادق(ع) می فرماید:

«الْعَامِلُ بِجَهْلٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِدُّهُ جِدُّهُ فِي السَّبْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنْ حَاجَتِهِ، (عُرِّرَ الْحَكَمَ وَ دُرُّرُ الْكَلِمِ، ج ۱، ص ۱۰۰)؛

کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می افتد».

یکی از روش های بسیار موثر تربیتی در نهادینه کردن آموزه ها به ویژه آموزه های دینی، استفاده از روش تشویق است. تشویق موجب انگیزش به سمت کارهای مثبت می گردد و افراد را به انجام اعمال نیک، ترغیب می نماید. چنانچه در کلام امیر مؤمنان علی(ع) نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی آمده است.

خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر حسب معصیت خود قرار داده است. بندگانش را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روان سازد. (ابوالحسن محمد الموسوی، نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸)

پس تشویق، عامل محرکی است که واقع شدن در راه تکامل را به دنبال دارد و در سایه تشویق می توان فرد را به کار مطلوب واداشت و عملکرد او را به راه صحیح هدایت کرد.

قدردانی و تشویق ارزان ترین روش می باشد که دارای اثر و نیروی اعجاب انگیز است که می تواند به فرد یا جامعه حیات تازه ای ببخشد و استعداد ها را برای فعالیت های نوین شکوفا کند برخلاف آن اگر افراد احساس کنند شخصیت و اقدامات آنها مورد بی توجهی قرار گرفته است و فاقد ارزش هستند، دچار رکود و توقف می گردند.

حس اعتماد و امید به آینده را از دست می دهند. پس باید به خاطر سپرد یک جمله تحسین آمیز تأثیر عمیقی بر روحیه افراد دارد و ممکن است با تحول روحی ناشی از تشویق، تمام عمر خود را صرف تلاش جدی برای کسب موفقیت کند. بنابراین با تشویق می توان یک سازمان یا یک جامعه را فعال کرد و به حرکت درآورد. عدم وجود روش های تشویقی صحیح در سیستم های تربیتی به زوال آن کمک خواهد کرد. (شفیعی و سامری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۴)

۳- اصول حاکم بر تشویق

بهره گیری از تشویق مانند هر روش تربیتی دارای اصول و ضوابطی است که برخی از آنها، در این نوشتار بیان می گردد. این اصول عبارت هستند از:

الف. تعلق گرفتن تشویق به رفتار و کردار نیک شخص

در تشویق باید کارنیک مورد توجه قرار بگیرد نه شخص تا فرد بدانند آنچه حاوی ارزش است رفتار اوست. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۴)

قرآن در تشویق های خود به این ویژگی توجه کرده است. به همین علت خداوند هنگام تشویق پیامبران، ویژگی های پسندیده آنها را بیان می کند.

«وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّهُ کَانَ صِدِّیْقًا نَبِیًّا، (مریم: ۴۱)؛

و در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری راستگو و راست کردار بود».

خداوند ابراهیم را شایسته یادآوری می داند و دلیل آن را ویژگی نیک ابراهیم می شمارد.

و چنین آیاتی در شأن حضرت موسی و اسماعیل هم آمده است. همچنان که امام رضا(ع) می فرماید:

«اِنَّ اللّٰهَ وَّاسِعٌ کَرِیْمٌ ضَمِنَ عَلٰی الْعَمَلِ الثَّوَابَ وَ عَلٰی الْخِلَافِ الْعِقَابَ، (کلینی، الکافی، ۱۳۹۳، ص ۵۴۷)؛

همانا خداوند وسعت دهنده و کریم است و در عمل ضامن پاداش است و برای کارهای خلاف، مجازات قرار داده است».

ب . متناسب بودن تشویق با رفتار

تشویق باید به موقع و متناسب با میزان و نوع کار باشد. شکل تشویق که زبانی، رفتاری، مالی یا معنوی است هم با توجه به روحیه شخص گزینش می شود.

خداوند هم برای افزایش علاقمندی کافران و دلگرمی تازه مسلمانان به اسلام دستور می دهد که زکات را به آنان بپردازند و با این کار دل آن را گرم می کنند. (فائمی امیدی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۰).

مؤید لزوم رعایت تناسب مقدار تشویق با عمل در کلام امیر مؤمنان (ع) نیز آمده است:

همواره در نظر بیار که هر یک چه مقدار رنج و تلاش کردند و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و در اجر مزدش به اندازه رنجی که برده کوتاهی نکن.

پس در تشویق نباید برای کار کوچک، پاداشی بزرگ در نظر داشت چون انگیزه های بعدی برای رفتار مطلوب از بین می رود. همچنین برای کار بزرگ، نباید پاداش ناچیز در نظر گرفته شود. چون از اهمیت کار می کاهد.

ج . تشویق وسیله است نه هدف

تشویق وسیله و ابزار برانگیختن است و نباید به صورت هدف درآید و همه فکر آدمی را به خود سرگرم سازد چرا که نقش بازدارنده پیدا می‌کند و سبب به فراموشی سپردن هدف اصلی می‌گردد.

چنانچه در قرآن کریم تشویق مادی و معنوی فراوانی برای ترغیب مومنان بیان شده است (توبه، ۷۲) ولی همه آنها را وسیله ای برای رسیدن به هدف بالاتر یعنی رضوان الهی می‌داند. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

و همچنین در کلام پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ، (محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، بی تا، ص ۱۵۴)؛

خدایا ما را از کسانی قرار ده که پیوسته به امر تو سرگرم هستند».

د. پرهیز از افراط و تفریط

تشویق باید به اندازه باشد تا آثار منفی بر جای نگذارد. چرا که اگر از حد متعادل فراتر رفت سبب غرور و تباهی است و اگر کمتر از اندازه خود باشد نتیجه مطلوب را از دست می‌دهد.

آیین مقدس اسلام در برنامه تربیتی خود پدر و مادر را از زیاده روی در تشویق برحذر داشته است. در این باره فرمایش امام محمد باقر(ع) وارد شده است که:

«شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ، (فرید، ۱۳۶۶، ج ۳، صفحه ۳۴۳)؛

بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان خود از اندازه پا فراتر می‌نهند و به زیاده روی می‌گیرند».

د. آشکار بودن دلیل تشویق

دلیل تشویق باید روشن و شفاف باشد تا شخص بدانند در برابر چه کاری تشویق شده است که به آن استمرار دهد. خداوند در آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره رعد می‌فرماید:

آنان که به دلیل ذات پاک پروردگارشان شکیبایی میکنند و نماز به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی دادیم در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند و با نیکی ها، بدی ها را از میان می‌برند، پایان نیک سرای دیگر از آن، آنان است.

خداوند در آیات دلیل اعطای پاداش های بزرگ را صبر در راه خدا، برپایی نماز، انفاق آشکار و پنهان در راه خدا، زدودن بدی ها به وسیله خوبی ها معرفی می‌کند.

ر . تشویق به هنگام

تشویق باید فوری باشد و بعد از انجام کار صورت گیرد چرا که اگر میان رفتار مطلوب و پاداش فاصله افتد اثر بخشی پاداش، کاهش می یابد. چنانچه پیامبر گرامی (ص)، در غدیر خم، زمانی که حضرت علی (ع) را به عنوان پیشوای مردم، پس از خود معرفی کردند شاعری به نام حسان بن ثابت اشعاری درباره حضرت علی(ع) و ولایت و امامت ایشان سرود. پیامبر (ص) در قدردانی از حسان فرمود:

«لَا تَزَالُ يَا حَسَانُ مُؤَيِّدًا مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ، (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۶۸؛ دلشاد، ۱۳۷۹، ص ۳۳۶)؛

ای حسان تا آن زمان که ما را با زبان خود یاری می کنی از پیشینیان روح القدس بهره مند گردی».

س - روش های تشویق

یکی از شیوه های تربیت اسلام که به عنوان امری مسلم مورد توجه قرار گرفته است، بحث تشویق است که هم قرآن به عنوان مهمترین کتاب هدایت و تربیت از جلوه ها و روش های تشویق برای راهنمایی انسان ها استفاده کرده است و هم در بیانات معصومین علیهم السلام به آنها پرداخته شده است. در مقاله حاضر برخی از روش های تشویقی بیان می گردد از جمله:

۱. تحسین

نیکویی کردن و به نیکویی نسبت دادن است.

خداوند در قرآن کریم خلق و خوی پیامبر اکرم (ص) را مورد تحسین قرار داده است و می فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ، (قلم، ۴)؛

و حَقًّا که تو بر اخلاق بزرگی استواری».

۲. پاداش

از روش های دیگر تشویق، پاداش است که معمولاً در قبال انجام عملی مثبت اعطا می گردد.

قرآن در این باره می فرماید:

«مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَانََ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ. ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ. لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ،

(سوره قاف: ۳۳ - ۳۵)؛

آن که در نهان از خدای رحمان خشیت داشته و با انابه‌کننده توبه کار (به سراغ خدا) آمده است. (به آنان گویند): به سلامت وارد بهشت شوید. این روز (برای شما) جاودانه است. برای اهل بهشت در آنجا هر چه بخواهند آماده است و نزد ما افزون (بر آن چه خواهند، موجود) است».

۳. جایزه

به معنی ارمغان تحفه و احسان آمده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ، (أنعام: ۱۶۰)؛

هرکس کار نیکی انجام دهد پس در قبال آن ده برابر پاداش خواهد داشت و هر کس کار بدی آورد جز مانند آن جزا نشود و بر آن ستم نشود».

۴. تحریض تشویق

کسی را به چیزی و کاری واداشتن است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ، (انفال، ۶۵)؛

ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از میان شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره گردند، اگر از شما یک صد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردد، چرا که آنها قوی هستند که نمی فهمند».

۵. شجیع

دل و جرات دادن به کسی برای انجام عملی است. در قرآن چنین آمده است:

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ، (انفال، ۴۶)؛

از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می شوید و هیبت شما را از بین برود و صبر کنید که خدا با صابران است».

۶. وعده

به معنی نوید دادن است خداوند در این باره می فرماید:

خدا به چه کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آموزش و پاداش بزرگی وعده داده است. (فتح،

۲۹)

۷. تبشیر

بشارت دادن است که خداوند می فرماید:

در حقیقت ما این قرآن را به زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را بدان نوید و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی.

(مریم، ۹۷)

۸. وعظ

به کاری و چیزی دعوت کردن که با ترس و بیم همراه باشد. در آیات قرآن چنین آمده است:

و زمانی که از نافرمانی آنان بیم دارند نخست پند شان دهید. (نساء، ۳۴)

۹. نصیحت

همان پند و اندرز و راهنمایی است حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: "من واجب حقوق الله علی عباده"

یکی از حقوق واجب الهی این است که به قدر توانایی در نصیحت و خیرخواهی نسبت به دیگران مشارکت وجود

داشته باشد. (ابوالحسن محمد الموسوی، نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۶)

۱۰. تسلی

همان است که اندوه دیگران برطرف شود. در قرآن کریم آیاتی در این رابطه ذکر شده است:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَكَمْ تُوْمِنُ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَّلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ، (مائده، ۴۱)؛

ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می ورزند تو را غمگین نسازند از آنان که با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال

آن که دل هایشان ایمان نیاورده بود و چه از یهودیان آنان که به سخنان تو گوش می سپارند تا بهانه ای برای تکذیب تو

بیابند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نیامده‌اند این گروه در دنیا برایشان رسوایی است و در آخرت عذابی بزرگ برای آنان خواهد بود».

۱۱. تشکر

به معنی سپاسگزاری و تقدیر کردن است و آیه قرآنی در این مورد چنین آمده است:

«يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَائِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبأ، ۱۳)

جنیان، هر چه را که سلیمان می‌خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ مانند حوضچه و دیگ‌های ثابت برایش می‌ساختند. ای خاندان داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

۳- فواید تشویق

در تربیت انسان، روش‌های متعددی وجود دارد که در این مقاله به بررسی مقوله تشویق به عنوان روش اصلی پذیرفته شده در نگاه آیات و روایات پرداخته شده است.

در این بخش بعضی از آثار آن ذکر می‌گردد:

الف. پیشرفت و سازندگی

انسان طبعاً به دنبال کمال و ساخت دنیایی بهتر برای خود است اما برای طی کردن این راه به انگیزه نیاز دارد چرا که برای انجام هر کار باید به چند مورد توجه کرد که شناخت، اولین قدم است و باید آن کار را بشناسد دوم انگیزه کافی برای انجام دادن کار است که نیروی روانی او را به انجام کار ترغیب کند و سوم حرکت کردن برای اجرایی کردن آن.

این موارد تکمیل‌کننده یکدیگر در جهت پیشرفت هستند و تشویق همان انگیزه و نیروی لازم را در اختیار فرد قرار می‌دهد چرا که تا فرد تشویق نشود انگیزه و نیازی برای رسیدن به پیشرفت حاصل نمی‌گردد. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۷۵)

مؤید آن، کلام امیر مومنان علی(ع) است که به مالک اشتر فرمود:

«وَ وَاَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا اَبْلَى ذَوُو الْاَبْلَاءِ مِنْهُمْ؛ فَاِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ اَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاَكِلَ، اِنْ شَاءَ اللهُ، (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛

آنان را به نکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده اند بر شمار زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان دلیری شان را به کوشش و حرکت بیشتر برانگیزد و برای کار مانده را به خواست خدا ترغیب شوند.

ب. شکوفا شدن استعدادها

استعداد در لغت به معنای آماده و مهیا شدن و قابلیت است و در اصطلاح توانایی بالقوه است که اگر در محیطی مساعد قرار گیرد موجب شکوفایی می گردد. (روزنامه رسالت اجتماعی، ۱۳۸۹، ص ۸)

چنان چه امام علی (ع) در این زمینه خطاب به فرزند ارجمندشان امام حسن (ع) می فرماید:

«وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَيَسْتَغْلِبُ لُبَّكَ، (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛

دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود می پذیرد؛ از این رو، من پیش از آن که دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم».

لذا تشویق موجب رشد استعداد و به فعالیت رساندن قوای درونی است و همچنین موجب شکوفایی خلاقیت ذهنی و بالا بردن قدرت سازگاری شخصی و مهارت های اجتماعی است. پس با تشویق در این زمین خالی می توان به شکوفا شدن استعدادها رسید. (قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۴۳-۴۴)

ج. ایجاد اعتماد به نفس

اعتماد در لغت به معنای تکیه گاه و پشت گرمی، اعتبار و اطمینان است و آنچه در اصطلاح بیان می گردد شناخت و پذیرش نقاط ضعف و قوت و محدودیتهای خویش و ارزش نهادن به خود بدون هیچ قید و شرطی است و رضایت خود را به دنبال دارد. حال این که تشویق موجب تقویت روحیه فرد می شود به گونه ای که او جرأت پیدا می کند به کاری اقدام کرده یا از کاری دست بردارد. (طبسی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲)

د. تکرار و تداوم عمل

زمانی که رفتارهای مطلوب و موفقیت آمیز مورد تأیید و تشویق قرار می گیرند کمیت و تداوم این قبیل رفتارها افزایش می یابد. (افروز، ۱۳۸۴، ص ۶۸)

این شیوه در تربیت، اصلاح فرد و ترقی او، سهم فوق العاده ای دارد و عاملی برای استحکام بخشیدن به رفتار و محرکی دل پذیر برای کار و فعالیت است (قائمی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷)

امام علی (ع) درباره ارزش تداوم کار می فرماید:

«قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴)؛

چیز اندک که با اشتیاق تداوم یابد بهتر از فراوانی که رنج آور باشد».

۴- تشویق های زیانبار

در این قسمت برخی موارد که آسیب و زیان تشویق محسوب می شوند، ذکر می گردد:

الف. تشویق رفتارهای نامطلوب

گاهی ممکن است رفتارهای نامطلوب همانند رفتارهای مطلوب مورد تشویق قرار گیرد. گفتنی است تشویق چنین رفتاری معمولاً آگاهانه نیست بلکه به صورت تصادفی و حتی گاهی برای خیرخواهی رخ می دهد که منجر به تخریب شخصیت فرد تشویق شده می گردد. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۸۰)

ب. توجه بی جا

گاهی بزرگسالان رفتار کودک را مورد تشویق و توجه قرار می دهند در حالی که عاقلانه ترین راه در آن زمان ها بی توجهی کردن نسبت به آن رفتار است. این توجه بی جا به اندازه همان بی توجهی بی جا، زیان آور است و در گسترش رفتارهای نامطلوب اثر می گذارد. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۸۱).

ج. افراط در تشویق

هنگام تشویق نباید پاداش گران قیمت و سنگین گردد. چون روی تربیت روحی و اخلاقی فرد تاثیر منفی می گذارد. تشویق باید با کاری که از فرد سر زده است تناسب داشته باشد. پس هر کار جزئی نباید تشویق گردد و به خاطر کار کوچکی نباید پاداش مهم و بزرگی در نظر گرفته شود. اگر تشویق از حد بگذرد توقع نابجا و بیش از حد، در فرد ایجاد می کند و به جای آموزندگی منحرف کننده می شود چرا که فرد ممکن است خود را بی عیب داند و دچار غرور و گمراهی گردد و به تبع آن فرد متوقع بار خواهد آمد. (عبدالعظیم کریمی، ۱۳۷۳، ص ۷۸-۷۴).

نتیجه

در امر تعلیم و تربیت انسان ها روش های متعددی وجود دارد. یکی از این روش ها تربیتی، تشویق است که مورد تایید دین مقدس اسلام و ائمه علیهم السلام می باشد. با تشویق صحیح و شناخت انواع و فواید آن، توانمندی ها و استعداد

ها به هدر نمی رود بلکه افراد به سوی هدف معین هدایت می شوند که آن دستیابی به کمال و رشد مطلوب است. بنابراین با توجه به امر تشویق و جایگاه تربیتی آن در قرآن و روایات به روش های تشویقی همچون تحسین، پاداش، جایزه، تحریض، وعده و تبشیر، وعظ، تصلی و تشکر در قرآن و سنت اشاره شد. به دنبال آن اصول حاکم بر تشویق را باید در نظر داشت که تشویق به رفتار مطلوب تعلق گیرد و متناسب با عمل باشد و اینکه تشویق یک وسیله برای رسیدن به اهداف مورد نظر است و در آن باید اعتدال را رعایت کرد و همچنین نیاز است دلیل تشویق به طور آشکار بیان گردد. زمانی که اصول به درستی اجرا شد آثار آن، خود را نشان می دهند مثل تلاش مستمر در جهت پیشرفت، شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رساندن قوای درونی و حتی پدید آمدن اعتماد به نفس و تقویت آن از فواید تشویق است و بالاتر از آن، این است که تشویق موجب تکرار و تداوم عمل موفقیت آمیز می گردد. به نظر می رسد بررسی شیوه های تربیتی و تشویق در کلام اهل بیت علیهم السلام خصوصا امیر مؤمنین علیهم السلام می تواند به تبیین این مهم از منظر دین بیش از پیش کمک کند.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن مجید

- ۱- الموسوی، ابوالحسن محمد و سید رضی، **نهج البلاغه**، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۲- افروز، غلامعلی، **چکیده از روان شناسی تربیتی** - کاربردی، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۴.
- ۳- امینی، ابراهیم، **اسلام و تعلیم و تربیت**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- ۴- حرانی، ابو محمد، **تحف العقول**، مترجم صادق حسن زاده، آل علی، بی تا.
- ۵- حسینی، داوود، **جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام**، قم، مرکز پژوهش اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۶- دلشاد تهرانی، مصطفی، **سیری در تربیت اسلامی**، تهران، دریا، ۱۳۷۹.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، سیروس، ۱۳۴۳.
- ۸- سامری، مریم، شفیعی، اعظم، **بررسی روش تربیتی تشویق و تنبیه**، نخستین همایش ملی موسسه آموزشی پژوهشی هزاره سوم، ۱۳۹۳.
- ۹- شعیری، شیخ تاج الدین محمد، **جامع الاخبار**، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، بی تا.
- ۱۰- طبسی، محمد جواد، **حقوق در زندان در مکتب اهل بیت**، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶.

- ۱۱- صادقی، قاسم، جایگاه نظام تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی، گرگان، همایش سراسری مباحث کلیدی علوم مدیریت، ۱۳۹۴.
- ۱۲- فرید، مرتضی، الحدیث، تهران، نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۶.
- ۱۳- فرمهینی فراهانی، محسن، عسکری کپوسنگی، راضیه، نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به نهج البلاغه، ۱۳۹۳.
- ۱۴- قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، تهران، انجمن اولیا مربیان، ۱۳۷۹.
- ۱۵- قائمی، علی، خانواده و مسائل مدرسه ای و ارکان، تهران، انجمن اولیا مربیان، ۱۳۷۸.
- ۱۶- قاسمی، حمید محمد، روش تربیتی در داستان قرآن کریم، تهران، معنا گرا، ۱۳۸۵.
- ۱۷- کریمی، عبد العظیم، تربیت آسیب زا، تهران، انجمن اولیا مربیان، ۱۳۷۳.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: حسین ولی، دار الثقلین، ۱۳۹۳.
- ۱۹- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۰.